

## جایگاه طرح پروفیسور سیرت در مهندسی قدرت " سیآ " سی افغانستان ! صلح در راه ترکستان ؟!

### من متهم میکنم! (۱)

#### بیوسته به گذشته قسمت هفدهم



#### محمد امین فروتن

آنچه را که باید در مقدمه این یادداشت گفت این است که برویت نتایج قسمی انتخابات که بروز شنبه مورخ ششم ثور ۱۳۹۳ از سوی آقای یوسف نورستانی رئیس کمیسیون انتخابات طی یک کنفرانس مطبوعاتی در مقر آن کمیسیون اعلان گردید هیچ یکی از کاندیداهای سال ۱۳۹۳ انتخابات " ریآ " ست جمهوری افغانستان نصابی که اخذ ۵۰+۱ فیصد رأی از جمله رأی حساب شده برای احراز مقام ریاست جمهوری باید حاصل میکرد از آن خویش نه ساختند لهذا طبیعی است انتخابات ریاست جمهوری میان دو کاندیدی که در دور اول بیشترین رأی را حاصل نموده اند غرض انتخابات سرتاسری در دور دوم به رقابت خواهند پرداخت . اما تا این وضعیت روشن میشود بهتر خواهد بود تا بحثی را که از قسمت قبلی باقی مانده بود در راستای کشف حقائق عینی جامعه ما دنبال کنیم . اما با خطر دریافت تسلسل بحث مان ضروریست تا آخرین بخشی از جملات ام را که درباره طرح جلالتمآب پروفیسور عبدالستار سیرت در یادداشت قبلی آورده بودم یکبار دیگر مرور کنیم و امیدوارم که این یادداشتها بتواند گوشه ای از وقائع اتفاقیه « تاریخ » خونین کشور ما را منعکس کنند و در راستای بیان و احیای مجدد تصویر کم رنگ شده غرور ملی و شهامت تک ، تکی از شهروندان و عموم آزادمردان این مرزوبوم مفید واقع شود .

در آخرین قسمت یادداشت قبلی نوشته بودم که :

وقتی در یکی از شامگاه های جمعه موبک همایونی پروفیسور عبدالستار سیرت نماد مذهبی "سیآ" سی از نسل دربار نشینان و سلطنت طلبان با همراهی یک هیأت هجده نفره از تاجران- لبرالهای گلخانه ای و معامله گران " سیآ " سی برکابل اجلال نزول فرمود خون در کالبد متلاشی شده ملوکیت نیز جاری شد. با ورود قافله از تاجران ، لبرالهای گرامی به زعامت یکی از رجال شناخته شده جامعه ما این پرشش

بی شک در ذهن عامی ترین افراد این جامعه مطرح شده است و اگر همه نتوانند آواز هارا تشخیص بدهند ، حلقوم را که می شناسند و میبینند که به هر حال هرچه هست طبیعی نیست . اما آنچه در این زمینه بسیار اساسی است این است که این قافله دارانی که تعدادی از آنها لبرالهای کلاسیک و تاجران شکست خورده که نگاه شان به هستی و تاریخ بشر از همان گفتمان شرک آلود اشرافی ملهم از دید و نگاه بزرگترین فلاسفه یونان بوده است که بر قسمت زیادی از تاریخ تفکر اسلامی سایه انداخته است و آنانرا مردی صاف اندیش اما نهایت خوشباور جناب پروفیسور عبدالستار سیرت که از بزرگترین پوهنتونهای جهان اسلام دارای اسناد و مدارک تحصیلی میباشند و همچنان در تعدادی از آنها به وظیفه مقدس آموزگاری و تدریس نیز مشغولیت داشته است رهبری میکرد و وارد دروازه های شهرتاریخی کابل ساخت .

[http://www.youtube.com/watch?v=mKYVdg7yz9w&feature=youtube\\_gdata](http://www.youtube.com/watch?v=mKYVdg7yz9w&feature=youtube_gdata)

هیچگونه تردیدی وجود ندارد مردی که تا هنوز هم بسیاری از مردم با وی ارادت میورزند در حلقه ء محاصره تنگی که چون نگین وی را در میان گرفته است و این حلقه را چنان می فشارند که هرگونه رابطه اش را با دنیای آزاد قطع کرده اند و همچون غار نشینان داستان اصحاب کعبه که سه صدسال را در یک محیط کاملاً قرنتین شده بخواب سپری کرده بودند وقتی از خواب برخاستند دیدند همه چیز تغییر یافته است (۱) اما امروز دیگر مردم " عوام کالانعام " نیستند هم آگاهی اجتماعی پیدا کرده اند و هم غالباً با کتاب سروکار دارند وقتی چشم شان با این قافله اُفتید که با سرعت بر دروازه های شهر وارد می شوند همه با تعجب از خود می پرسیدند که چرا چنین مرد با قارو خرد مندی این قافله ای از تاجران و مغازه داران را با ادبیات عهد قدیم رهبری میکند ؟ که امروز دیگر با ترمولوژی عهد عتیق سخن و اقوام و ملتها را رهبری کردن شیوه ای نامیده میشود که بسیار کهنه شده است . زیرا ملت های کنونی و در عصر حاضر بجای رجال و شخصیت ها بسوی برنامه ها و شاخص ها مینگرند ، بگذریم از اینکه حضرت استاد سیرت در مورد زندگی دوران پیامبر و صدر اسلام از کدامین پوهنتونها و مجامع علمی و ا کادمیک مدارک و اسناد حاصل کرده اند و یاهم اکنون در جمع اساتید علوم مذهبی درجهان اسلام دارای چه جایگاهی است و در کنفرانس ها و مجامع بین المللی ای مانند رابطه عالم اسلامی و هیأت الاغاثة و دهها پروژه مشکوک " سیأ " سی ازوی چگونه استقبال بعمل می آید ؟



از راست به چپ : حامدگیلاتی رئیس گروه موسوم به پیشاور - محمد یونس قانونی رئیس گروه موسوم به جبهه متحد - عبدالستار سیرت رئیس گروه موسوم به روم - همایون جریر رئیس گروه موسوم به قیرس در کنفرانس بن

آنچه که واضح است این است که حضرت استاد سیرت تنها رأوی و حامل چگونگی مناسبات میان اصحاب بزرگوار ی از نخستین روزگار پیامبر است که در جای خود قابل ستائش و ارزش است اما برای مدیریت زندگی پیچیده انسان معاصر بویژه که در جهان دهکده مانند کنونی مجبور و محکوم به زندگی شده است دارای هیچگونه برنامه ای نه میباشند . البته نباید از جناب استاد سیرت این توقع را داشت که چرا با این سن و سالی که وی به آن رسیده است دارای اندیشه ای پویا و مجهز به گفتمان اجتهادی دینامیکی نیست که انسان باشنده این دهکده جهانی را بسوی زندگی مرفه و متری در مطابقت به ارزش های ملی و تمدنی خویش رهنمائی کنند ؟ .



استاد سیرت در ملاقات با احمد ضیا مسعود معاون اول زلمی رسول کاندید ریاست جمهوری افغانستان

زیرا از فحوای مطالعه آنچه که بنام برنامه عمل جبهه صلح و وحدت ملی افغانستان ارائه می فرمایند آثار نفوذ و الهام فلاسفه و بزرگ یونان چون آرسطو، سقراط و افلاطون بصورت واضح به مشاهده میرسند به همین دلیل است که تیوری نظام های سلطنتی حد و مرز برای اعمال قدرت از سوی حکومت بویژه شخص پادشاه و سلطان وجود نداشته است. البته نظام سلطنتی مطلقه رفیق که گفتمان حضرت استاد عبدالستار سیرت نیز بر آن استوار است نسبت به نظام های سلف خویش یک گام به پیش است، زیرا در نظام سلطنتی مطلقه رفیق یا مشروطه استبداد شخصی جایگزین استبداد ساختاری میشود و حاکمان جامعه مأدون شخص سلطان، دست کم ناچار به رعایت تشریفات و انضباط در مناسبات اجتماعی میباشند. لهذا میتوان گفت که به گمان غالب آنچه را که استاد سیرت طی کنفرانس های مطبوعاتی در محیط کابل مطرح می فرماید جز دلخوش کردن به اینکه چه تعداد آدم ها با انگیزه های گوناگونی در کنفرانس های مطبوعاتی وی حضور پیدا میکنند منجر به هیچگونه نتیجه قوی نخواهند شد.

## صلح در راه ترکستان!؟

### طالبان لبرال در گلخانه های استخبارات منطقه .!

دراخبار آمده است که حضرت ملا قلم الدین آخذ که سابقه فانه و زولانه کردن مردم افغانستان اعم از مرد وزن این کشور را درکارنامه و سوابق دراداره امربالمعروف و نهی از منکر رژیم مبارکه امارت اسلامی طالبان!! با خود دارند در گفتگو با خبرنگار رادیو آزادی گفت، آغا جان معتصم در حال حاضر در محل محفوظ در منزلش ۲ بسر می برد و به زودی مذاکرات صلح را با وی آغاز خواهند کرد ...

### ادامه دارد

۱: اصحاب کهف عدهای خداپرست بودند که پیش از اسلام در زمان حکمرانانی امپراتوری روم باستان با نام دقیانوس در منطقه افسس در ترکیه امروزی زندگی می کردند و همگی جز یکی از آنان که چوپان بود از اشراف زادگان و درباریان بودند و ایمان خود را مخفی نگاه می داشتند. اینان سرانجام از جبر حاکم روزگار به ستوه آمده و به گفته قرآن بر اساس الهامی که از خداوند دریافت کردند "پس هنگامی که از خدایان دروغین دوری جستید به غار پناهنده شوید تا پروردگارتان رحمتش را بر شما ارزانی دارد" همراه سگ خود به غاری در روستایی به نام رفیم نزدیک فیلادلفیا رفتند. چون به غار رسیدند. خواب ایشان را در ربود پس حدود سیصد سال به خواب اندر همی بودند. و سگ ایشان بر در غار چنان بود که گویی بیدار است. پس از سیصدسال چون برخاستند خود پنداشتند که چند ساعتی بیش نخفته اند. چون به شهر شدند همه چیز را دیگرگونه یافتند. سرانجام به غار بازگشته و دیگر اثری از ایشان یافت نشد. مردم بر فراز غار آنها مسجدی ساختند. داستان ایشان نسبتاً به تفصیل در قرآن آمده است.

۲: یک منبع موثق به این قلم که نخواست از وی نام برده شود گفت: پس از آنکه آقای محمد معصوم ستانکزی با دوتن از اعضای شورای عالی صلح غرض رهائی ملا آغا جان معتصم به دوی سفر کرد وی را از زندان امارت دوی رها ساخت و در پرواز امارت ایر لائن به کابل انتقال داد پس از سپری کردن سه روز بحیث مهمان بلند پایه شورای عالی صلح با دادن چندین هزار دالر پول نقد به منزلش واقع در ترکیه انتقال داده شد